

انگیزه‌های مسلمانان در تحقیقات جغرافیایی

(قسمت اول)

مرتضی احمدی سیاهپوش
دبیر جغرافیا - دزفول

ممتازی رسیده و میرسد همه بخاطر دانش و تفکر اوست. این انسان است که با تفکر و دانش خود همواره سعی می‌کند همه چیز را تحت تسخیر خود درآورد و از همه چیز کمال استفاده را بنماید. در این میان دو موضوع بیش از همه، باعث می‌شود که علم و شناسایی به آنها، او را در استفاده از اشیاء و مواهب طبیعی و انسانی، قدرت و نیروی بیشتر بدهد. یکی علم انسان به موقعیت و ابعاد وجودی خودش و اینکه دارای چه استعدادهایی است، و دیگری علم به طبیعت و جهان پیرامون خودش، که دارای چه ویژگیها و خصایصی است و چه ذخایر و معادنی را در خود ذخیره کرده و یا چه استعدادهای بالقوه و بالفعلی دارد.

در بخش اول (یعنی علم انسان به خود و موقعیت و ابعاد وجودیش و...)، علوم مختلفی چون انسان‌شناسی روان‌شناسی، پزشکی و بالاتر از همه اینها مذهب راستین الهی بما

پس با این مقدمه روشن می‌شود که اگر انسان به موقعیت برتر و رهنمون می‌دهند.

در این جهان پهناور که موجودات مختلفی اعم از نبات و حیوان و انسان زیست می‌کنند، یک موجود از میان آنها شاخص‌تر و متمایزتر و به تعبیر رساتر، برتر و شگفت‌انگیزتر جلوه می‌کند و آن موجود انسان است. اما چرا برتر و شگفت‌انگیزتر؟ راز و رمز این برتری و شگفت‌انگیزی در چیست که او را از میان دیگر موجودات متمایز کرده است؟

با کمی تأمل و درنگ متوجه می‌شویم که راز برتری انسان بر دیگر موجودات چیزی نیست جز شناخت صحیح او نسبت به پدیده‌های جهان و بدنبال آن برنامه‌ریزی منطقی براساس همان شناخت برای رسیدن به اهداف بالاتر، و الا انسان فاقد شناخت و دانش، یک حیوان است بسان دیگر حیوانات، با این تفاوت که این انسان برخلاف دیگر حیوانات فقط روی دو پا راه می‌رود.



و در بخش دوم (یعنی علم انسان به جهان اطراف و...)، این دانش جغرافیاست که به کمک زمین شناسی و یکی دو علم دیگر، سعی در شناساندن طبیعت و جهان اطراف و ذخایر بالقوه و بالفعل آن می کند و سعی بلیغ دارد که امکان استفاده بهتر و بیشتر را برای انسان فراهم آورد و بواسطه نقش عظیم و مهم جغرافیا در شناسایی جهان - که کاربردش بهسازی هرچه بیشتر زندگی است و باعث شده که در جهان امروز دانش جغرافیا از میان دیگر علوم طبیعی جایگاه رفیع و ممتازتری را بخود اختصاص دهد.

امروزه بر هیچکس پوشیده نیست که دانش جغرافیا با تلاش در جهت شناسایی روند تغییرات زندگی، شهری، روستایی، صنعتی، معدنی، کشاورزی و... سعی در ارائه برنامه هایی دارد که غایت آن استفاده هرچه صحیح تر و بیشتر و بهتر از این مواهب طبیعی و انسانی است لذا توجه به این دانش ارزنده و آموزش آن و کاربرد آن کردن آن یک ضرورت زمان است که عدم توجه به آن منجر به از دست دادن خیلی امتیازها و محروم ماندن از خیلی مواهب می شود. در این میان برای امت اسلامی و بالخصوص ملت مسلمان ما این یک عیب و گناه نابخشودنی خواهد بود که علیرغم توصیه و تأکیدات مختلفی که خدای عالمیان در جهت «سیر و نظر در زمین و شناخت آن» بما کرده ما از این امر مهم غفلت بورزیم و یادنیال روی بزرگان علم و دانش خود و از آن جمله جغرافی دانان و سیاحان و جهانگردان نامی و بزرگ مسلمان نباشیم که برای کشف و شناخت سرزمینهای مختلف و تحقیق و بررسی در اطراف و اکناف عالم، زحمات طاقت فرسایی را متحمل شدند تا آثار ارزشمندی را به جهان علم و دانش و شیفتگان شناخت جهان ارزانی نمودند.

آنچه که پیش از هر چیز محرک مسلمانان برای سیر و سیاحت در اقصی نقاط زمین بود قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان بود. «مسلمانان به فرمان قرآن وظیفه داشتند که تن به مسافرت و سیر و سیاحت بدهند و از جهانگردی و مشاهده آثار تاریخی گذشتگان غفلت نورزند و شاید بیش از ده آیه قرآن راجع به سیاحت و جهانگردی هست و طی آن از افرادی که اقدام به سیر و سیاحت نمی کنند و به تماشای نقاط مختلف گیتی نمی روند تا از اقوام پیشین و سرنوشت آنان پند بگیرند نکوهش شده است»^۱ از جمله آیاتی مثل: سوره مؤمن آیه ۸۲ ← خدای سبحان در این آیه می فرماید: «اقلم سیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم کانوا اکثر منهم و اشد قوة و اثاراً فی الارض فماغنی عنهم ماکانوا یکسبون».

ترجمه آیه: آیا مردم در زمین به سیر و سفر نمی روند تا عاقبت حال پیشینیان خود را که از اینها بسیار بیشتر و قویتر بودند و وجودشان در زمین مؤثر بود مشاهده کنند (که چگونه هلاک شدند) و آنچه اندوختند آنها را (از مرگ و فنا) حفظ نکرد. سوره انعام آیه ۱۱: «قل سیروا فی الارض ثم انظروا کیف کان عاقبة المکذبین» ترجمه آیه: بگو

ای پیغمبر که در روی زمین بگردید (و از حال امم گذشته جويا شوید) تا عاقبت سخت آنها که تکذیب (آیات خدا و رسولان او) کردند مشاهده کنید. و نیز آیاتی همچون آیه ۴۴ سوره فاطر، آیه ۴۶ سوره حج، آیه ۱۰۹ سوره یوسف، آیه ۹ سوره روم، و آیه ۲۱ سوره مؤمن نیز بسان دو آیه فوق الذکر که متن و ترجمه آنها از نظر گذشت، دعوت و توصیه به سیر و مشاهده و عبرت گیری از زمین و مردمی که در آن بسر برده اند می کنند و علت این همه تأکید شاید این باشد که بقول قیس بن ساعده: «بلیغ ترین موعظه ها، گشتن در ویرانه ها و نگریستن به جایگاه گذشتگان است»^۲.

با تأمل در آیات دیگر قرآن کریم، همچنین این نکته به دست می آید که وقتی خدای سبحان از زمین و سرزمین سخن می گوید: «مسأله اراضی تنها عنوانی که می تواند داشته باشد اینست که وسیله ای برای زندگی و سکونت و استقرار و استراحت انسانها بوده و خلقت آن بدین منظور صورت گرفته است. قرآن در عین اینکه طی چندین آیه - مثل آیه ۱۸۹ سوره آل عمران و آیه ۱۱۶ سوره توبه - مالکیت مطلق و حقیقی زمین را از خداوند می شمارد: «ولله لک السموات و الارض و الله علی کل شیء قدیر» (آل عمران - ۱۸۹) ترجمه آیه: و خداست مالک ملک آسمانها و زمین و خدا بر هر چیز تواناست.

و در عین حال که خلقت آنرا (زمین را) به عنوان یکی از نعمتها و مواهب بزرگ یاد می کنند:

«والارض فرشناها فنعم الماهدون» سوره الذاریات آیه ۴۸: ترجمه: و زمین را بگستریدیم و چه نیکو مهدی بگستریدیم. در همان حال تأکید می کنند که سکونت و بهره برداری از آن مانند سایر ضروریات زندگی حق همگانی است و غیر قابل سلب: «والارض وضمها للانام» (سوره الرحمن آیه ۱۰) ترجمه: و زمین را برای همه مردم بنهاد (قرار داد).

قرآن یکجا زمین را به عنوان آسایشگاه عمومی: «الذی جعل لکم الارض فراشا» (سوره بقره آیه ۲۲) ترجمه: کسی که زمین را فرش و بستری برای شما قرار داد.

و جای دیگر به عنوان وسیله استراحت: «الم نجعل الارض مهادا» (سوره نباء آیه ۶) ترجمه: آیا زمین را گهواره قرار ندادیم؟ و در جای دیگر تحت عنوان محل اقامت و سکونت: «لکم فی الارض مستقر و مناع الی حین» (سوره بقره آیه ۳۶) «و شما را در زمین تا روز مرگ قرار و آرامگاه خواهد بود.»

و نیز به عنوان مکان و وسیله زندگی: «ولقد مکناکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معاش» (سوره اعراف آیه ۱۰) یاد نموده است. «همانا شما را در زمین تمکین و اقتدار دادیم و در آن بر شما معاش و روزی از هر گونه نعمت مقرر کردیم»

و نیز در آیه ای، ضمن اشاره به آغاز آفرینش و زندگی انسان، آدمی را نماینده و جانشین آفریننده جهان در روی زمین معرفی کرده

مسالك و ممالك

تصنيف

ابن خردادبه

متوفای حدود ۳۰۰ هجری

ترجمة

سعید خاکرند

با مقدمه‌ای از:

آندره میکل

مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی

میراث ملل

مؤسسه فرهنگی خفتاء

تهران ۱۳۷۱

آخرین پایگاهی بود که میراث یونان و روم را حفظ می‌کرد. در این شهر بطلمیوس (حدود ۱۶۷ م) حکیم یونانی مقیم اسکندریه را می‌شناسیم که یکی از دانشمندان قبل از اسلام است که از جغرافیا و خصوصیات کره زمین سخن گفته است و قدیمترین کتاب جغرافیا و تعیین حدود نقاط زمین به او بازگشت می‌کند.

اینرا نیز می‌دانیم که در اوایل قرن سوم هجری (مطابق قرن نهم میلادی) علوم یونان توسط دانشمندان اسلامی به عربی ترجمه گردید و شخصی همچون اسحاق کندی (متوفی ۲۵۸ ه. ق) فیلسوف نامی عرب و اسلام نیز چندین کتاب پیرامون کره زمین و اینکه مجموعه عالم بشکل کره است را تألیف کرد، برخی از نویسندگان می‌خواهند بگویند مسلمانان تحت تأثیر کتاب جغرافیای بطلمیوس به فکر تدوین کتب جغرافیا و جهانگردی افتادند. در صورتیکه مسلمانان پیش از انتقال آثار یونان و آشنایی به کتاب جغرافیای بطلمیوس اقدام به جهانگردی و نوشتن کتابهای جغرافیا نمودند^۴ (و آن موقع هنوز کتاب بطلمیوس به دست آنها نرسیده بود) و ذکر این نکته لازم است بدانیم که نخستین ترجمه کتاب جغرافیای بطلمیوس به عربی توسط ثابت قره^۵ (۲۸۸-۲۱۱) هجری صورت گرفت (یعنی حدود قرن نهم میلادی = هشتصدسال بعد از بطلمیوس و حدود دو قرن ونیم بعد از ظهور اسلام) حال به ذکر علل و انگیزه‌های مسلمانان در تحقیق مسائل

است: «و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه» (سوره بقره آیه ۳۰) ترجمه:

«و یاد آر آنگاه که پروردگارت فرشتگان را فرمود من در زمین خلیفه خواهم گماشت.»

و نیز در آیاتی چند به بندگان صالح و انسانهای پاک و شایسته وعده داده است که اینان سرانجام وارث حکومت حقیقی زمین خواهند شد: «ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون» (سوره انبیاء آیه ۱۰۵) «و ما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.»

اگر به آیات فوق الذکر - که در خصوص زمین و ارزش و اهمیت و موقعیت آن نکاتی را متذکر شدند - آیات ۱۹ و ۲۰ سوره - غاشیه را اضافه کنیم که خدای عالمیان می‌فرماید: «افلا ینظرون ... والی الجبال کیف نصبت والی الارض کیف سطحت» «آیا نظر نمی‌کنند... که چگونه کوهها نشانده شدند و بسوی زمین که چگونه گسترده شد» متوجه می‌شویم که توجه خدای عالمیان به دقت و نظر در زمین و آنچه در آن است (که به انسانها توصیه فرموده است) بر اساس مصالح و منافی است که در نهایت کار بسود انسان است.

البته این حقیقت ناگفته نماند که این سری آیات مبنایشان بعضاً روی عبرت گیری از وقایع و خداجویی و خدایابی در دل طبیعت گذاشته شده ولی دست یابی به این اصول خود فرع بر شناخت و شناخت نیز فرع بر سیر و تفحص و نظر و تدبیر در همین جهان و طبیعت است، یعنی همین شناخت کوهها و زمین و تحولات و تطوراتی که بر آنها گذشته است «زمین شناسی»، سیر و نظر و دقت در مسطح بودن زمین (علیرغم کروی بودن آن) و... «جغرافیا» - که می‌توان آن را یک نوع سیر آفاق خواند - خود می‌تواند منابع شناخت ما بشمار آیند.

با این تفصیلات - که ذکرش رفت - نتیجه می‌گیریم که توجه و حساسیت در مشاهده و نظر به عالم (جغرافیا) نه تنها توصیه خدای سبحان است که ضرورت زمانی و موقعیت خاص میهنی ما نیز ایجاب می‌کند که هر چه بیشتر در جهت رشد و شکوفائی دانش جغرافیا، و تحقیق و پژوهش در ابعاد آن، تلاش و کوشش کنیم تا با تکیه بر آن، برنامه ریزیهای عمرانی و تولیدی ما با موفقیت هر چه بیشتر به پیش روند.

توجه مسلمانان به جغرافیا و انگیزه‌های آنها در تحقیق مسائل جغرافیائی و گسترش علم جغرافیا بدست آنان برای تحقیق در مسئله فوق، به تاریخ گذشته برمی‌گردیم تا علتها و سببها را پیدا کنیم: «پیش از ظهور اسلام که روم غربی تجزیه گردید و علوم یونان در روم شرقی و بیزانس بدست فراموشی سپرده می‌شد شهر اسکندریه

جغرافیائی و کشف مناطق جدید جغرافیائی می پردازیم:

۱- حج یکی از عوامل اصلی یا به تعبیری بزرگترین انگیزه ترغیب مسلمین به جهانگردی و جغرافیانگاری بود.^۶ مسلمانان طبق وظیفه مذهبی ناگزیر بودند هر سال به قصد انجام فریضه حج از اکناف بلاد اسلامی به زیارت خانه خدا به شهر مکه بروند و همین آمد و رفت از نقاط مختلف جهان اسلام به حجاز نیازمند به دانستن موقعیت جغرافیائی آنها و آشنایی به راهها و منازل میان راه بود.^۷ آنها می خواستند تا از شرایط اقلیمی سفر خویش به مکه و بجای آوردن مناسک حج اطلاع یابند و نیز کسانی که برای زیارت مکه و ادای مراسم حج روانه می شدند^۸ در بازگشت، از رویدادها و مسیر سفر، از راهها و توقف گاه هایشان اطلاعاتی کسب می نمودند. مشاهیر حجاج، این خاطره ها را می نگاشتند تا دیگران را نیز از تجارب خود بهره مند سازند و بعضاً به نظر اعیان مذهبی می رساندند تا در صورت نیاز اصلاح گردد. مسلمین خیر و نیکوکار نیز در نقاط پراکنده و دور دست ضمن خوشآمدگویی به راهیان کعبه نور، با ساختن رباط (کاروانسرا) و اختصاص موقوفات برای مسافران بیت الله الحرام موجبات راحتی سفر را فراهم می آوردند.^۹

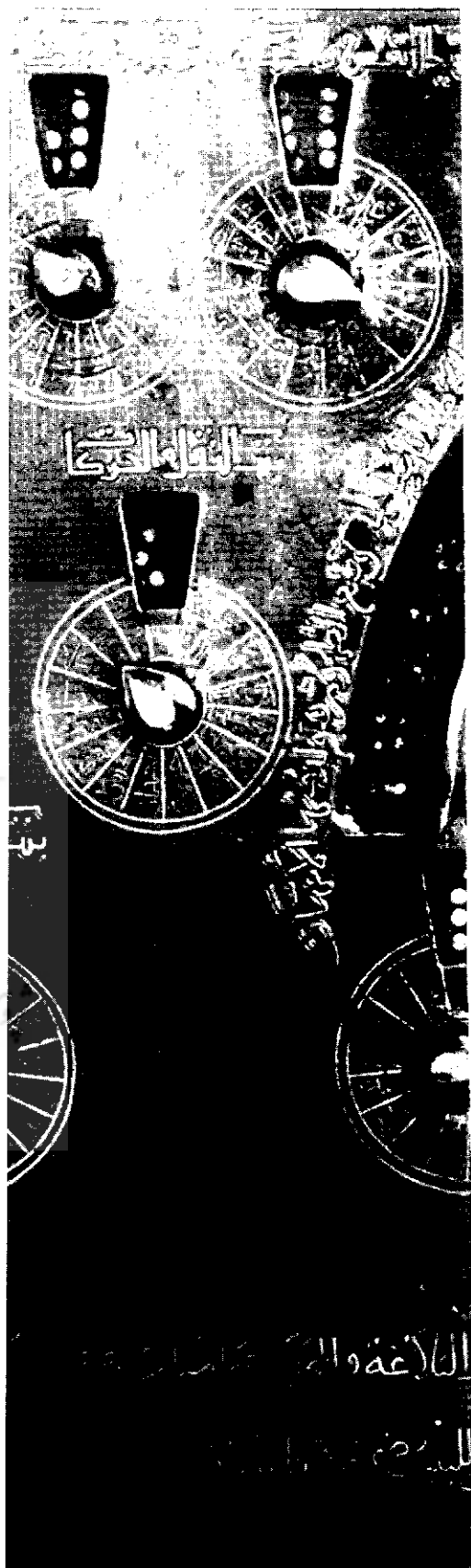
۲- در آغاز قرن دوم هجری شعاع اسلام تا قلب اروپای غربی یعنی سویس و فرانسه و ایتالیا رسیده بود و مسلمانان به دریای آدریاتیک و اقیانوس اطلس، سراسر دریای مدیترانه و جزایر آن دست یافته بودند و در شرق اروپا سرگرم لشکرکشی و فتوحات بودند و در سرحدات چین و هند پیش می رفتند.^{۱۰} در این وضعیت جدید، که مرزهای پیشین برداشته شده بود و مناطق وسیعی از دنیای مسکون از دره سند تا اندلس یکپارچه شده بود، نیاز میرمی به دانستن راههای دریائی و اقلیم های گوناگون داشتند و در واقع این یکپارچگی مناطق، نه تنها رفت و آمد اشخاص و بازرگانان و سیاحان را آسان می ساخت بلکه برای فرمانروایان اسلامی نیاز به شناخت شهرها و راههایی را که زیر حکومت آنها قرار داشتند پدید می آورد و بر این اساس است که عصر امپراتوری اسلامی) سرزمین های پهناوری چونان هند و خوارزم و ایران و عربستان و مصر و آناتولی در تحت لوای آیین و حکومتی واحد درآمد و در این مرزهای پهناور بود که دانشمندان و بازرگانان و سیاحان و کارگزاران حکومتی به سفر پرداختند و از نتیجه این گذارها بود که سفرنامه و گزارشهای ارزنده ای پدید آمد.^{۱۱}

۳- عامل مهم دیگر در ایجاد حرکت تازه در راه شناخت مناطق جغرافیائی، کنجکاوی دانشمندان دوران اسلامی و تشویق قرآن کتاب مقدس مسلمین و محمد (ص) پیامبر اسلام به کسب دانش و دست یابی آنان به منابع تازه در این رشته بود. از سده دوم هجری به بعد همراه با نوشته های متعددی که از پهلوی و سریانی و یونانی به عربی برگردانده شدند و دو اثر از بطلمیوس جغرافی دان و منجم اسکندرانی



نیز به عربی ترجمه گردید یکی از این دو کتاب «جامع» نام داشت و در فلکیات تألیف شده بود و در نزد مسلمانان به نام «مجسطی» معروف گردید... و دیگری «مدخلی در جغرافیا» نام داشت که مسلمانان آن را «جغرافیا» نامیدند.^{۱۲} در اینکه مسلمانان برای کسب علم از نقطه‌ای به نقطه‌ای و از مکانی به مکانی دیگر هجرت می‌کردند امری مسلم و بدیهی است. جرجی زیدان در کتاب معروفش تاریخ تمدن اسلام می‌نویسد: «مسلمانان برای کسب اطلاعات و معلومات لازم دیار به دیار می‌گشتند و این مسافرت با جغرافیا ارتباط دارد و از آنرو مشاهده می‌شود که نخستین کتاب جغرافیای عرب از منزل‌ها و مسکن‌های قبایل چادرنشین صحبت می‌دارد و اولین مردمی که درباره آن به تألیف پرداختند راویان ادب مانند «اصمعی» و سکونی می‌باشند و پس از آن به جغرافیای جزیره العرب پرداختند و «همدانی» کتابی راجع به عربستان تألیف نمود و «ابوالاشعث کندی» مجموعه‌ای درباره کوه‌های تهامه تنظیم کرد.^{۱۳} گرچه «قدیمی‌ترین نوشته شناخته شده مسلمانان را که درباره جغرافیا بحث می‌کند مربوط به هشام بن محمد الکلبی (۲۰۴ هـ / ۸۲۰ م) می‌دانند که شخصیت و مرجعی معتبر در تاریخ عربستان پیش از اسلام بشمار می‌آید.^{۱۴} در خصوص چگونگی انتقال علم از دیگر نقاط به ممالک اسلامی و رابطه آن با جغرافیا باید عرض کرد که «در آغاز حکومت عباسیان و استقرار بغداد به عنوان پایتخت امپراتوری بود که مسلمانان رفته رفته با جغرافیای علمی به معنای واقعی آشنا شدند. فتح ایران، مصر، و سند به مسلمانان این فرصت را داد که اطلاعات دست‌اول از موفقیت‌های علمی و فرهنگی مردمان این سه مهد تمدن کسب کرده و مالکیت یادسترسی آسان به مراکز علمی، آزمایشگاه‌ها، و رصدخانه‌های آنها احراز کنند ولی جریان کسب و جذب دانش بیگانه تا زمان خلافت ابو جعفر منصور (۱۳۵-۱۵۸ / ۷۵۳-۷۷۵) بنیانگذار بغداد آغاز نگردید. او علاقه شدیدی به ترجمه آثار علمی به زبان عربی داشت، و این حرکت قریب دوست سال در عالم اسلام فعالانه ادامه یافت. وزیران بر عکس سهم بزرگی در تشویق فعالیت‌های علمی در دربار خلفا بر عهده داشتند. مترجمان اغلب خود علمای مبرز بودند که مساعی آنان زبان عربی را با معلومات جغرافیائی، نجومی و فلسفی هند و ایران و یونان غنا بخشید.^{۱۵}

۴- گرفتن مالیات و خراج ممالک فتح شده و حمل خراج مملکتی به شهرهای مرکزی و پایتخت‌ها نیز علت دیگری بود که مسلمانان را ناگزیر می‌ساخت به مواقع شهرها و عرض و طول راه‌ها و نقاط مختلف اقالیم مفتوحه آشنایی کامل داشته باشند.^{۱۶} اگر بخواهیم این مطلب را باز کنیم همان بیانی را در برمی‌گیرد که جرجی زیدان در تاریخ تمدنش به آن اشاره کرده است که «مسلمانان پس از گشودن ممالک روم و ایران و مصر و غیره در طرز تسخیر آن بلاد اختلاف نظر داشتند و این از آن جهت برای آنان مهم بود که طرز فتح با طرز وضع



مالیات و جزیه ارتباط دارد و کشورهایی که بصلح یا به جنگ با به معاهده و امثال آن مسخر شده در پرداخت باج و خراج بموجب قوانین اسلامی متفاوت می شود. همین قسم موضوع تقسیم غنیمت ها و واگذاری املاک خالصه و نیول و اجرای موادپیمان و برداشت مطالبات مطالبی بود که علاوه بر امیران، فقها نیز در آن دخالت داشتند و در نتیجه دانستن وضع شهرها و ده ها و راه ها و غیره از مسائل واجب دینی مسلمانان درمی آمد و طبعاً جغرافی و تاریخ می آموختند تا مجهولات آنان در آن موارد روشن گردد»^{۱۷}.

۵- بازرگانی و تجارت خارجی از علل دیگر برای تفرص و تحقیق نزد مسلمانان بشمار میرفت. شوق زیاد و شگفت انگیز بازرگانان مسلمان در خصوص فعالیت های تجارتمی و دادوستد بانقاط دیگر دنیا نیز از مهمترین انگیزه ها بشمار می آید.

«از زمانهای بسیار قدیم اعراب نقش واسطه را در تجارت بین مشرق زمین (هندوستان، چین و غیره) از یک طرف و مغرب زمین (مصر، سوریه، روم و غیره) از طرف دیگر برعهده داشتند ولی با رسمیت یافتن بغداد به عنوان پایتخت امپراتوری عباسی و توسعه بنادر بصره و سیراف مشارکت واقعی و شخصی مسلمانان در این امر از چین در مشرق تا سوا فالو در ساحل شرقی آفریقا توسعه پیدا کرد.

مسلمانان فن دریانوردی را از ایرانیان آموخته و در آن مهارت یافته بودند بطوری که در قرن سوم هجری/ نهم م دریانوردان مسلمان بآبادهای دایمی و موسمی آشنایی کامل داشتند و کشتیهای آنها نه تنها در طول سواحل بلکه مستقیماً از عربستان به هندوستان رفت و آمد می کرد آنها باراههای دریائی مختلفی که بین خلیج فارس و دریای چین قرار داشت آشنایی پیدا کرده و آنها را «هفت دریا» خوانده و برای هر یک نام مشخصی در نظر گرفته بودند. آنها همچنین از عدن تا سوا فالو در طول ساحل شرقی آفریقا پیش می رفتند و آزادانه در دریای سرخ و مدیترانه و دریای سیاه و دریای خزر و نیز در چندین رودخانه قابل کشتیرانی مانند نیل و سند رفت و آمد می کردند. باینکه کشتیهای آنها در قیاس با کشتی های چینی کوچک بود و اقیانوس هندنهنگ فراوان داشت، مسافرت های دور و دراز و مخاطره آمیز خود را باشهامت و بردباری انجام می دادند آنها از نقشه های دریائی (رهنامه ها و دفاتر) استفاده می کردند، مسعودی [مروج الذهب ج ۱

ص ۲۳۳- ۲۳۴] از چندین ناخدا که خود می شناخته و همچنین از ملاحان مجرب اقیانوس هند نام می برد... [بدین ترتیب می بینیم] همراه با دریانوردی مسلمانان، بازرگانی آنان نیز توسعه پیدا کرد و مسلمانان از برکت قدرت سیاسی قومی خود در خاورمیانه و اقتصاد رویه توسعه عربستان از اهمیت بازرگانی فوق العاده ای در مشرق زمین برخوردار گردیدند و نه تنها بر وسعت دامنه بازرگانی آنها افزوده شد بلکه حجم بازرگانی آنها نیز فزونی یافت حتی با قبایل بدوی جزایر اندامان (Andaman) و نیکوبار (Nikobar) که زبان آنها را نمی فهمیدند

تجارت پایابای برقرار ساختند... [در واقع] شوق مسلمانان به کشف نواحی جدید بیشتر به سبب علاقه آنها به بازرگانی بود و بندرت جنبه اکتشافی به خود می گرفت.^{۱۸}

در باب نقش بازرگانی و تجارت در حرکت مسلمانان و تجارت مسلمان به سوی مناطق مختلف دنیا دکتر زکی محمد حسن در کتابش بنام جهانگردان مسلمان در قرون وسطی اینچنین می گوید: «در تجارت خارجی نیز مسلمین از دیگران پیشرفته تر بودند و این پیشرفت تا دوره کشف قاره آمریکا ادامه داشت. کاروانهای تجاری مسلمین در قرون وسطی با بسیاری از مناطق دنیای آن روز درآمد و شد و دادوستد بودند. کشتیهای آنان با سیلاب دریاها و اقیانوسها دست و پنجه نرم می کرد. راههای تجاری بین دریای چین سواحل اسپانیا، اقیانوس اطلس، دریای مدیترانه، اقیانوس هند و سودان به وسیله ایشان رونق فراوان گرفته بود.

تجار مسلمان به بازارهای مختلف دنیای متمدن آن روز کالا می بردند و در این کار رنج فراوان سفر تحمل می کردند. مسکوکات عتیقه آن روز که در کشورهای اروپائی مانند روسیه، فنلاند، نروژ، سوئد، سوئیس و جزایر انگلیس کشف شده و تاریخ آنها به قرون اول تا پنجم هجری بازمی گردد شاهد این مدعا است.

اگرچه به یقین نمی توان از سیاحت و تردد بازرگانان مسلمان آن روز در ایسلند، نروژ و جزایر بریتانیا سخن گفت لکن آثار برجای مانده، مانند سفرنامه ها و کتب جغرافیائی از رفت و آمد آنها در جنوب روسیه و اروپا و نیز از برتری تجاری آنها در این نواحی گواهی می دهند.

مقدسی از کالاهایی که مسلمانان در جنوب شوروی و شمال اروپا به دست می آوردند یاد کرده و از آن میان به پوست خز، شمع، خدنگ، شب کلاه، شمشیر، زره، چسب، عسل، گوسفند و گاو اشاره می کند. علاوه بر همه اینها خرید و فروش برده های اسلاوی نیز صورت می گرفته است. مشهور است که مسلمانان از «متعالبه» را نه تنها به نژاد اسلاو بلکه به معنای وسیع تر ژرفها و دیگر ساکنان اروپا اطلاق می کردند. از مهمترین کالاهایی که مسلمین به این دیار حمل می کردند می توان از انواع منسوجات، تحف و میوه ها نام برد.^{۱۹}

این علل و جهات دیگر موجب شد که مسلمانان از روز نخست بخاطر مقاصد دینی و ارتشی و سیاسی خود توجه خاص به جغرافیا و جهانگردی داشته باشند که برای نمونه در جنبه سیاسی نیز دوسه مورد گوشزد می شود تا در این قسمت، جنبه های مختلف تاحدودی بررسی شده باشند. بعنوان مثال:

هنگامیکه عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی «سمع بن مالک خولانی» سردار معروف را به فرمانروایی اسپانیا منصوب داشت به وی نوشت که اوضاع عمومی اسپانیا و مواقع جغرافیائی آنجا را تشریح کند و

برای اطلاع او ارسال بدارد.^{۲۰}

«منابع و مأخذ و ذکر ارجاعات متن»

یا «فرمانروایان مسلمان نیز قاصدان و سفیرانی به سوی بلاد دیگر روانه می‌داشتند و در این میان سفرا به نواحی که تا آن زمان آشنای مسلمین نبود سفر می‌کردند؛ مانند سفر ابن فضلان به جنوب شوروی و یا سفارت سفیر اندلس نزد امپراطوری آلمان در حدود سال ۳۶۲ هـ (۹۷۳ م).^{۲۱}

درباره استفاده مسلمین از علوم دیگر نقاط جهان بالاخص از یونان، چین و... شکی نیست، اما آنچه باعث مباهات است این است که مسلمین بر آن علوم از جهت کم و از بعد کیفی بر آن می‌افزودند و لذا توسعه و تکامل آن علوم را موجب می‌شدند بگونه‌ای که خود غریبها و بطور کلی محققین منصف این امر را تأیید می‌کنند.

ابوزید شبلی می‌نویسد: «هنگامیکه مسلمانان علوم یونان را به عربی ترجمه کردند چنان آنرا تعمیم و توسعه دادند که بکلی در یونان قدیم بی‌سابقه بود از جمله این دانشها، علم جغرافی است. مسلمانان کتابهای ذیقیمی در جغرافی نوشتند و تنها قسمتی از میراث آنها بود که در قرون وسطی به اروپا برده شد و به لاتین ترجمه گردید. در حقیقت باید گفت اروپا از لحاظ اطلاع بر علم جغرافی مدیون مسلمانان است. اروپائیان کلیه اطلاعات خود را در این زمینه از کتب جغرافی مسلمین گرفته‌اند. مسلمانان علاوه بر این برتری، بواسطه علاقه زیادی که به جهانگردی داشتند هند و چین و نقاط نامعلوم آنروز آفریقا را سیر کردند و با کشورهاییکه اروپائیان نام آنرا نشنیده بودند یا در وجود آنها تردید داشتند روابط بازرگانی برقرار ساختند^{۲۲} در تأیید همین مطلب گوستالیون محقق معروف فرانسوی در کتابش تمدن اسلام و عرب می‌نویسد: «سفرنامه سلیمان [که یکتا بازرگان عرب بوده که در قرن نهم میلادی به چین مسافرت نموده، ساکن بصره بوده و چندین مرتبه به هند و چین سفر نموده است] اولین کتابی است که راجع به چین در اروپا شایع گردید و آن در اوایل قرن گذشته [در سال ۱۸۴۵ میلادی در دو جلد] بفرانسه ترجمه شده است^{۲۳}».

جرجی زیدان دانشمند عرب زبان مسیحی می‌نویسد: «هنگامیکه کتاب جغرافیای بطلمیوس به عربی ترجمه شد و مسلمانان بر آن علم آگاهی یافتند دست به تألیف کتابهایی مانند آن زدند و آن علم را توسعه دادند و آنچه را که قبلاً خود می‌دانستند بر آن افزودند. مسلمانان در تدوین علم جغرافیا اکتفا به نقل و شنیدن از این و آن نکردند بلکه دریاها را پیمودند و شرق و غرب و شمال و جنوب دنیای معمور و شناخته شده آنروز را گردش کردند و آنچه را دیدند و بررسی نمودند، یادداشت کردند و بسیاری از اشتباهات بطلمیوس را تصحیح کردند^{۲۴}».

- ۱- کتاب جهانگردی و جهانگردان نامی نوشته علی دوانی نشر میزان ص ۵
- ۲- کتاب جهانگردان مسلمان در قرون وسطی: دکتر زکی محمد حسن ترجمه و پاورقی از عبدالله ناصری طاهری، مرکز نشر فرهنگی رجاء چاپ اول پائیز ۱۳۶۶، ص ۷ پیشگفتار.
- ۳- کتاب وطن و سرزمین و آثار حقوقی آن از دیدگاه اسلامی یا جغرافیای سیاسی اسلام: عباسعلی عمید زنجانی دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ هارم تابستان ۱۳۶۶ ص ۱۶-۱۴
- ۴- جهانگردی و جهانگردان نامی ص ۴
- ۵- کتاب متفکران اسلام جلد دوم: بارون کارادو و ترجمه احمد آرام، چاپ و نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی تاریخ نشر اسفند ۱۳۵۹ ص ۱۱
- ۶- کتاب جهانگردان مسلمان در قرون وسطی ص ۸
- ۷- کتاب جهانگردی و جهانگردان نامی ص ۴
- ۸- کتاب تاریخ علم در ایران جلد اول دکتر مهدی فرشاد چاپ اول ۱۳۶۵ مؤسسه انتشارات امیرکبیر تهران ص ۲۳۶
- ۹- کتاب جهانگردان مسلمان... ص ۱۸
- ۱۰- کتاب جهانگردی و جهانگردان نامی ص ۵
- ۱۱- کتاب تاریخ علم در ایران ص ۲۳۶
- ۱۲- همان منبع ص ۲۳۶
- ۱۳- کتاب تاریخ تمدن اسلام: جرجی زیدان ترجمه و نگارش علی جواهر الکلام، چاپ ششم ص ۵۰۷
- ۱۴- کتاب خدمات مسلمانان به جغرافیا: دکتر نفیس احمد ترجمه حسن لاهوتی، تاریخ انتشار خرداد ۱۳۶۷ بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ص ۳۰
- ۱۵- کتاب تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی: مقبول احمد تشریح ترجمه دکتر محمد حسن گنجی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی تهران ۱۳۶۸ ص ۴-۵
- ۱۶- کتاب جهانگردی و جهانگردان نامی ص ۵
- ۱۷- کتاب تاریخ تمدن اسلام ص ۵۰۸، ۵۰۷
- ۱۸- کتاب تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی ص ۳۵-۳۳
- ۱۹- کتاب جهانگردان مسلمان... ص ۲۰-۱۹
- ۲۰- کتاب جهانگردی و جهانگردان نامی ص ۵
- ۲۱- کتاب جهانگردان مسلمان... ص ۲۱
- ۲۲- کتاب جهانگردی و جهانگردان نامی ص ۸
- ۲۳- کتاب تمدن اسلام و عرب: گوستالیون ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، کتابفروشی و چاپخانه علی اکبر علمی چاپ چهارم ص ۶۰۳-۶۰۱
- ۲۴- کتاب جهانگردی و جهانگردان نامی ص ۶

(ادامه دارد)